

# دعوت گلستانه از اهالی هنرهای تجسمی

## آثاری از جمشید مرادیان

علی اصغر قربانی

تهیه کند. هر سه طرح از سوی کمیته برگزاری سمپوزیوم انتخاب شد و از او دعوت کردند که در ماه اوت سال جاری در این سمپوزیوم شرکت کند. این مجسمه‌ها که مرادیان عکس ماکت آن‌ها را به ما داده از ترکیب سنگ مرمر سفید و منسکی و بنا ترکیب سنگ مرمر و شیشه با ارتفاع چهار متر برای نصب در میدان‌های شهر ساخته خواهند شد. اما آن‌چه شادی ما را از موفقیت مرادیان با درد و دریغ درمی‌آمیزد آن است که او این نمونه‌ها را بیشتر به خیال آن‌که برای شهر و دیار خودش و برای اعلان و محرمان طراحی کرده، به سازمان زیباسازی شهر تهران پیشنهاد کرده بود. ماکت‌ها مورد عنایت حضرات قرار نگرفت و قضیه چنان که رسم است بسا بن‌بست سکوت رویبرو شد. دست‌اندرکاران سازمان زیباسازی شهر هیچ ادله و احتجاجی برای سکوت خود ارائه نکردند و لابد این کارها را جراحی نگاشتند که به خانه روا نیست. ای واقعاً این در سرنوشت مقدر هنرمند ما بوده است که به جرم عدم شرکت در بازی‌های مسئولان، آن قدر چشم‌پوشه‌ها بشینند تا از آن ور دریاها و صحراها بسایند و لاج و اعتبار هنرش را به‌جا آورند؟ آیا مشکل هنرهای تجسمی ما با برپایی نمایشگاه‌های آن‌چنانی و یادداشت نویسی و حاشیه‌نویسی‌های بسواب جمعی برای کارهایی که می‌کوشند تا به تخفاتی کاتالوگ و جایزه و سفر و هزار جور نان قرض دادن و من بمیرم تو بمیری دیگر آن را جا بیندازند حل شدند است؟

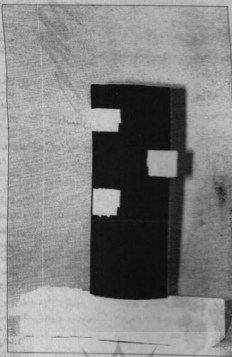
نمی‌رود و آن‌چه می‌آفریند با خون و خیالش درآمخته است.

جمشید مرادیان در پاسخ به دعوت گلستانه از اهالی هنرهای تجسمی، عکس‌هایی از سه ماکت مجسمه‌های شهری را که اخیراً ساخته برای معرفی در اختیار ما گذاشته است. این کارها را می‌باید با توجه به معیارهای مجسمه‌های شهری دید و ارزیابی کرد؛ نه با معیارهای مجسمه‌های موزیومی و نگارخانه‌یی مجسمه‌سازی شهری زبان خاص خود را دارد، ساخت و پرداختن محکم می‌طلبد و مرادیان نیز حجمی خود را به‌یاری همین زبان پرورده است. مجسمه شهری، به قول قدما، می‌باید مناسب مقام بیاید و به‌جا بنشیند.

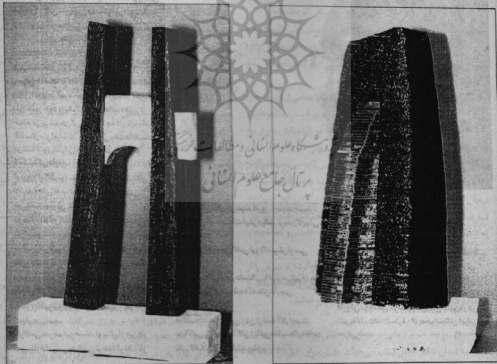
مرادیان به همان نسبت که در کشورش از سوی دست‌اندرکاران و مسئولین خودگماشته هنرهای تجسمی نادیده‌نگاشته می‌شود، در بیرون مرزهای سرزمین‌اش به‌شهرتی جهانی دست می‌یابد و دارد ردیف و تخصص پیدا می‌کند. او به‌درشتی دریافته است که نباید هنرش را در یک جا زمین‌گیر کند، می‌باید پر و پروازی به کارهای خود بدهد و افق و افکانت آن را فراتر ببرد.

یکی از کارهای مرادیان، از میان ۷۲ اثر از ۱۹ مجسمه‌سازی ایرانی برای نمایش در مسالافه ۲۰۰۱ اوزاکا ژاپن برگزیده شد. در سال ۲۰۰۲، بعد از آن‌که اثر دیگری از او در سمپوزیوم شهر یکن پذیرفته شد، مرکز هنری شمال چین از وی خواست که طرح سه مجسمه شهری را برای شرکت در سمپوزیوم ۲۰۰۲

جمشید مرادیان، یکی از مجسمه‌سازان پرکار و متعدد سرزمین ماست که متأسفانه به علت ننگ‌ها و یازگیری‌ها و ترند و تمیهای مرید و مرادترشی رایج، شهرتی در خور اهمیت کارهایش نیافته است. مرادیان در این روزگار بی‌خلوت و قهرمان، در چارچوب یک نظام فکری و دایره‌اندیشگی مشخص کار می‌کند و خود بیش از آن‌که شیفته‌وار قدم در وادی ایسن سلوک بگذارد، می‌دانسته که مجسمه‌سازی ما هرگز هنری نبوده است که دست عانی را بر سر خود دیده باشد. مرادیان در جهانی آکنده از نادیده‌نگاری‌ها و انکارها، دستمایه‌های آثار خود را از مفاخر شکوهمند گذشته و جهان لسطوره و افسانه برمی‌گزیند، اندیشه‌ی را که می‌خواهد به آن شکل و حجم بدهد در دل به هفت آب می‌شوید و به‌یاری سیلان تخیل، آن را با آرایش و آفرینش، تازار، پرخون و سرشار از زندگی جلوه می‌دهد. مرادیان در مسیر و سلوک هنرمندانه خود به هرگوشه‌ی از تاریخ و هنر دیرساله سرزمین مادری سرگ می‌کشد و از آثاری که با حضور خود اصنام گذشته را از غبار فراموشی رها کند، توشه برمی‌گیرد. در دوران مادها و مفرغ لرستان و سیلک و هخامنشی و ساسانی و حاشیه‌چلگمش و بناها و اجزاکراری و گلچیری و مفرسرها و هر سازه‌ی هویتبخش دیگر گرفته تا دوران قاجار و بزرگوری همجون آق‌آلی ابوالحسن صدیقی در کارهایش حضوری حاضر و ناظر دارند. مرادیان از معدود هنرمندانی است که دنبال حجم و فرم توخالی



میرزا  
کمال  
میرزا



پرتال جامع علوم انسانی و مقالات علمی